

ورود امیرکبیر برای اولین بار به صحنه سیاست

۲۰ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۴۶

هیئتی برای عذرخواهی از قتل گریبایدوف به دربار روسیه فرستاده شد و چون خود عباس میرزا بیمار بود پسر هفتمش خسرو میرزا را به سرکردگی این گروه دیپلماتیک برگزید و چون خودش در سفر همراه پسرش نبود؛ و به هر حال چون خسرو میرزا ۱۶ سال بیشتر نداشت و ممکن بود بی تجربه باشد میرزا تقی خان را همراه با پسرش فرستاد. و این اولین بار بود که همان امیرکبیر خودمان به اولین صحنه سیاسی زندگیش پا گذاشت و چه خوب از پس این مأموریت برآمد.

گریبایدوف میخواست به زور گرجیهایی که در ایران ساکن شده و با ایرانیها ازدواج کرده بودند را به روسیه بازگرداند و چون بسیار با خشونت دست به اینکار زد و به اخطارهای عباسمیرزا گوش نداد و به قول قدیمیها پاشو از گلیمش درازتر کرد عباسمیرزا از روحانیون درخواست کرد که به مردم بگویند در برابر وحشی‌گری‌های سربازان گریبایدوف ساکت ننشینند و اگر تعرضی صورت گرفت پاسخ دهند.

گریبایدوف هم دست بردار نبود و کارش به جایی کشید که دوتا از زنان گرجی عقدی آصف الدوله وزیر دربار ایران را ربود تا به روسیه بازگرداند و غیرت مردم که حساسی به جوش آمده بود به سفارت روسیه در ایران حمله کردند و گریبایدوف که به مردم حمله ور شد و چند تن را به قتل رساند، کشتند.

باید هیئتی برای عذرخواهی از قتل گریبایدوف به دربار روسیه فرستاده میشد و چون خود عباسمیرزا بیمار بود پسر هفتمش خسرو میرزا را به سرکردگی این گروه دیپلماتیک برگزید و چون خودش در سفر همراه پسرش نبود؛ و به هر حال چون خسرو میرزا ۱۶ سال بیشتر نداشت و ممکن بود بی تجربه باشد میرزا تقی خان را همراه با پسرش فرستاد. و این اولین بار بود که همان امیرکبیر خودمان به اولین صحنه سیاسی زندگیش پا گذاشت و چه خوب از پس این مأموریت برآمد.

امیرکبیر در این سفر بسیار در دربار مطرح شد بگونه‌ای که محمدشاه پسر عباسمیرزا از او بهتر را برای تربیت فرزندش نیافت و او را همراه ولیعهدش ناصرالدین میرزا به تبریز فرستاد.

امیرکبیر وزیر ناصرالدین میرزا و بگونه‌ای پدر دوم او بود. وقتی محمدشاه بر اثر نفرس بسیار زود هنگام مرد امیرکبیر ناصرالدین میرزا را خیلی سریع از تبریز به تهران آورد و با وجود مدعیان بسیار زیادی که ناصرالدین میرزا داشت از جمله میرزا آقاخان نوری

و همچنین خود میرزا آغاسی وزیر محمدشاه او را در حالیکه ۱۶ سال داشت به تخت سلطنت نشانند.

ناصرالدین شاه به او لقب اتابک اعظم را داد و در انجام تمام امور دولتی با امیرکبیر مشورت میکرد و رابطه بین امیرکبیر و ناصرالدین شاه بسیار عالی بود ولی چندان طول نکشید.....مادر شاه شیفته امیر شد و چون پاسخ رد از امیر شنید کینه به دل گرفت و بنای نابودی امیر را گذاشت.

امیرکبیر هنگامیکه ۴۵ سال داشت با خواهرشاه که ۱۵ سال داشت بنا به درخواست مکرر شاه ازدواج کرد کینه مهدالیا مادر ناصرالدین شاه بیشتر شد تا اینکه بکمک انگلیسیها دسیسه کرد و به بهانه اینکه امیر میخواهد تخت پادشاهی را از ناصرالدین شاه بگیرد او را از مقام صدارت عظمی برانداختند و سپس به کاشان تبعید کردند.

شبی که شاه از فرط نوشیدن شراب مست و مدهوش شده بود نامه ی قتل امیر را به جیران زن محبوب شاه داد تا آنرا به شاه بدهد و امضا کند. فردای آن شب مأمورین شاه به فین کاشان رسیدند و امیر کبیر را به قتل رساندند.

آدرس مطلب :

[سیاست-صحنه-بار-اولین-امیرکبیر-ورود/۳۵۱۷۲/news/](https://www.cafetari.kh.com/news/۳۵۱۷۲/ورود-اولین-امیرکبیر-ورود)